

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر محمد کریم فارغی - استرالیا
۰۵ نومبر ۲۰۲۰



داکتر محمد کریم فارغی

سندروم ستکهلم و سیاستمداران ما



نمی دانم چه تعداد از هموطنان ما به سندروم ستکهلم (Stockholm Syndrome) آشنائی دارند؟ باید مقدماً یاد آور شوم که اصطلاح سندروم به کدام مرض مشخص اطلاق نمی گردد بلکه یک تعداد اعراض و علائمی اند که به طور مشترک در اکثر امراض یافت می گردند....

سندروم استکهلم وقتی به یک تعداد گروگان های یک بانک توسط دزدان، اطلاق گردید که گروگان ها پس از نجات شان به کمک پولیس، خلاف توقع از دزدان حمایت کردند و عمل آنها را به زعم خود شان توجیه کردند. آنها با دزدان

سمپاتی نشان دادند و در حمایت شان شعار دادند. روانشناسان منطق و قضاوت این گروگانان را نتوانستند به کدام مرض خاصی ارتباط دهند جز این که آن را یک سندروم بنامند که در آن افراد تحت تأثیر روحی و روانی معجونی از عواطف و احساسات قرار می گیرند که در ضمیر ناآگاه شان دارند و برای تبارز آن فرصت ها و حوادث نقش می داشته باشد. متأسفانه عدهٔ بیشماری از مردم ما از جمله سیاستمداران مریض ما از چنین سندروم رنج می برند، مردم ما بنابر عوامل متعدد، از حوادث به طور مطلق انتباه می بردارند بدون آن که انگیزه ها و زمینه هائی را که موجب چنین حوادثی می گردند مورد توجه قرار دهند .

عامل اصلی در حوادث جنائی که همه روزه در کشور ما جان انسانهای معصوم را می گیرد اعتقادات کور و ذهنیت های مرضی اند که برای فروش در مارکیت های استخبارات منطقه و جهان آماده می گردند و مورد استفادهٔ ابزاری سیاست مداران و تیکه داران دین قرار می گیرد. کسانی که خود را انفجار می دهند جاسوس و یا اجنت دستگاه های جهنمی منطقه و جهان نیستند بلکه کسانی اند که با شناخت از احساسات و درک ناقص از باور هایشان، توسط ملا ها و افراد با نفوذ در مارکیت استخبارات بدون آن که خود شان آگاهی یابند، به فروش می رسند.

قناعت دادن کسی که حاضر می گردد خود را منفجر بسازد مبنی بر این که این عمل او از نظر باور و اعتقادی که او خود دارد غلط و گناه آلود است سودی نمی بخشد مگر آن که کسی را که او به آن معتقد است و بالای ذهنیتش مسلط گردیده است، قناعت داد که از انحصار گری و تسلط روانی بالای آن شخص مریض، استفادهٔ ناجایز نکند، با آن که او خود می داند که این عمل ناجایز است ولی این متاعی است که او برای فروش آماده دارد....